

## ارائه یک الگوی آموزشی مناسب جهت کسب مهارت خواندن زبان عربی (برای دانشجویان رشته حقوق)

دکتر فرامرز میرزایی

دانشیار دانشگاه بوعلی سینا

دکتر علی نظری

استادیار دانشگاه لرستان

(از ص ۱۱۳ تا ص ۱۴۱)

### چکیده

دانشجویان رشته حقوق دارای ۱۵ واحد درسی اصول و متون و قواعد فقهی هستند. متون اصلی این دروس و عموم منابع و کتب اصلی فقه، که متون پژوهشی دانشجویان نیز می‌باشد، تماماً به زبان عربی است. به همین دلیل باید زبان عربی دانشجویان رشته حقوق هر چه بیشتر تقویت گردد. از طرفی در سرفصل درسی این رشته تنها یک واحد درسی به آموزش زبان عربی اختصاص یافته است. لذا برنامه آموزشی زبان عربی باید متناسب با نیاز دانشجویان و در نظر گرفتن این محدودیت زمانی تدوین گردد.

با توجه به مهارت‌های چهارگانه: خواندن، نوشتن، گفتن و شنیدن که مهارت‌های اساسی هر زبانی به شمار می‌رود، به نظر می‌آید دانشجویان رشته حقوق به کسب مهارت خواندن و درک مفاهیم متون به زبان عربی به شدت نیازمندند، تا بتوانند متون فقهی را به زبان عربی خوانده و درک نمایند. لذا برای کسب این مهارت باید یک روش خوب و مفید تدوین گردد.

### واژه‌های کلیدی

الگوی آموزشی، مهارت خواندن، زبان عربی، رشته حقوق.

## مقدمه

دانشجویان رشته حقوق براساس نظام آموزشی دانشگاه‌های ایران و سرفصل تدوین شده این رشته، پانزده واحد درسی اصول و قواعد و متون فقهی دارند. متون و منابع اصلی این دروس به زبان عربی نوشته شده است. همچنین کتب فقهی که دانشجویان برای تحقیق و پژوهش به آن مراجعه می‌کنند و شروح مختلف این کتب، چه از قدماء و چه از متأخرین، تماماً به زبان عربی است. به همین دلیل دانشجویان رشته حقوق به ناچار باید زبان عربی را آموخته تا توانایی لازم جهت استفاده از این متون و منابع را داشته باشند.

عدم توانایی دانشجویان رشته حقوق برای خواندن و درک متون عربی دروس فقه و اصول یکی از مشکلات اساسی تدریس این دروس در دانشگاه است که حتی با ترجمه این متون به فارسی بر طرف نمی‌گردد. لذا اساتید این رشته خواستار تقویت بیشتر زبان عربی دانشجویان رشته حقوق شده‌اند. زیرا همان گونه که ذکر گردید عموم منابع و کتب اصلی فقه و اصول به زبان عربی نگاشته شده است، به ویژه دو منبع فیاض و جوشان کتاب و سنت به زبان عربی است؛ از این رو پرواضح است که این قبیل دانشجویان هر چه بیشتر باید زبان و ادبیات عربی خود را تقویت کنند، وجود این تراجم که در حال حاضر به وفور در دسترس دانشجویان و طلاب جوان قرار دارد به طور قهری عکس مطلوب را نتیجه می‌دهد و خود به وضوح این موضوع را لمس کرده‌ام.<sup>۱</sup>

## طرح موضوع

در سرفصل درسی رشته حقوق، پانزده واحد درسی از دروس اصلی و تخصصی با عناوین: اصول فقه (۱ و ۲) و متون فقه (۱ و ۲ و ۳ و ۴) و قواعد فقه (۱ و ۲) و سه واحد از دروس اختیاری با عناوین آیات الاحکام و اصطلاحات حقوقی به زبان

عربی و احوال شخصیه در فقه عامه، گنجانده شده است. مواد و منابع معرفی شده برای این دروس نیز به زبان عربی است.<sup>۱</sup> و کمیته برنامه ریزی حقوق گروه علوم انسانی وزارت علوم تحقیقات و فناوری (فرهنگ و آموزش عالی سابق) اجرای آن را برای تمامی مراکز آموزش عالی تابع ضوابط جمهوری اسلامی الزامی دانسته است. و تشکیل دوره‌های کارشناسی رشته حقوق را با توجه به موارد زیر ضروری و مهم دانسته است: «آموزش وسیع و همه جانبه رشته‌های عرفی و اسلامی حقوق در رابطه با یکدیگر، و تحقیقات عمومی در سطح جهانی برای هم سطح نگاه داشتن رشته‌های فرهنگ اسلامی به خصوص در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری و آموزش و تحقیق در رشته‌های حقوق سایر ملل و اقوام که با کشور ما ارتباطات دارند».<sup>۲</sup>

اما در همان سرفصل تنها یک واحد (نظری) برای آموزش زبان عربی اختصاص داده شده است که می‌توان آن را در دو ساعت در هفته نیز ارائه نمود یعنی حداکثر ۳۴ ساعت را در یک ترم تحصیلی برای آموزش زبان عربی اختصاص داده است. و هدف از ارائه درس عربی نیز: «تقویت قدرت استفاده دانشجویان از مأخذ فقهی و کتبی که به زبان عربی در رشته حقوق و فقه نوشته شده، می‌باشد» و در همان سرفصل، این درس را به سه بخش: اول برنامه عمومی و دوم: صرف (کتاب التصریف) و سوم: نحو (کتاب الهدایه) تقسیم کرده است.<sup>۳</sup>

به نظر می‌آید بسیار مشکل باشد که با دو ساعت تدریس در هفته به هدف ذکر شده رسید، به ویژه اینکه منبع پیشنهادی برای تدریس عربی (کتاب التصریف و کتاب الهدایه) فاقد ویژگی‌های لازم برای رسیدن به این هدف است. شیوه نوشتاری کتاب یاد شده پیچیده و نامانوس است. در نتیجه اکثر وقت کلاس به توضیح معانی جملات متن کتاب خواهد گذشت و فقط بخش اندکی از کتاب تدریس خواهد شد. این مقاله بر آن است با توجه به هدف یاد شده در سرفصل درسی و همچنین

زمان محدودی که برای تدریس عربی اختصاص داده شده است و همچنین با عنایت به توانایی اولیه دانشجویان رشته حقوق، یک شیوه آموزشی متناسب را ارائه نماید تا دانشجویان بعد از فراگیری آن، توانایی لازم برای خواندن متون فقهی داشته باشند.

### محورهای اساسی آموزش زبان

در زمینه آموزش زبان، هر زبانی، سه نگرش کلی وجود دارد و هر یک محور اصلی است و به نام همان محور معرفی شده است:

أ) **روش محور:** اغلب گفته می‌شود علت موفقیت یا شکست یادگیری زبان را در روش معمول باید جستجو کرد، زیرا در نهایت امر این روش است که محتوا و چگونگی آموزش را تعیین می‌کند. روش و شیوه آموزش زبان اهمیت درجه اول در یادگیری زبان برخوردار است.

ب) **شاگرد محوری:** در مقابل نگرش بالا دیدگاه افراطی دیگری وجود دارد که برای روش‌های آموزش زبان چنان اهمیتی قائل نیست چون بنا بر اصول این دیدگاه هر جا علاقه‌ای برای یادگیری وجود داشته باشد، شایستگی زبان آموز مطرح است. نه روش آموزش، علاقه و استعداد برای یادگیری اصل اولیه برای آموزش زبان به حساب می‌آید.

ج) **معلم محوری:** طرفداران این روش، معلم را تنها عنصر مهم می‌دانند، زیرا خوبی هر روش در حد خوب بودن معلمی است که آن روش را بعه کار می‌برد. روش صرفاً ابزاری است که در دست معلم قرار می‌گیرد. موفقیت یا شکست آموزش به معلم و توانایی او بستگی دارد.<sup>۵</sup>

عجیب این است که دست اندرکاران آموزش زبان عربی در دنیای عرب از هر سه مورد فوق نالیده‌اند. رمضان عبدالنواب، استاد دانشگاه عین شمس قاهره، یکی از

علل عدم موفقیت آموزش زبان عربی را روش آموزش آن می‌دانند که در آن آموزش قواعد یک زبان را متضمن آموزش خود آن زبان می‌دانند، مثل اینکه فردی برای شاعر شدن قواعد عروضی را بیاموزد و به همان بسنده کند. نباید آموزش قواعد در درجه اول اهمیت قرار گیرد.<sup>۶</sup> و این همان نکته‌ای است که دی مارینیس (Dimarinis)، یکی از معلمان آموزش زبان در قرن شانزدهم، در مقدمه دستور زبان مجمل و ۶۷ صفحه‌ای خود یادآوری نموده است: «تا دانشجویان لاتین‌دان بسازد نه دستوردان»<sup>۷</sup> و از طرفی نیز به شدت از پایین بودن سطح بهره‌مندی دانشجویان زبان عربی گلّه‌مند است و از بی‌علاقگی آنان به زبان عربی شکوه دارد. گویا بسیاری از دانشجویان زبان عربی از سرناچاری به این رشته روی آورده‌اند و همچنین از معلمان و اساتید این رشته که به غلط و از سر دلسوزی به آنان نمره می‌دهند انتقاد می‌کند و دانشجویان نیز گاهی با تقلب، مواد درسی را می‌گذرانند. لذا سطح علمی آنان بسیار پایین است.<sup>۸</sup>

حقیقت این است که هر سه نگرش ذکر شده به آموزش زبان ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. شاید بتوان گفت که سه رکن اصلی آموزش زبان همین سه محور است. آنچه که رمضان عبدالقواب در خصوص آموزش زبان عربی در دنیای عرب گفته، در ایران نیز کم و بیش صادق است. البته دانشجویان ایرانی در رشته حقوق علاقه فراوانی از خود برای یادگیری زبان عربی نشان می‌دهند (تنها نکته منفی این است که دانشجویان رشته حقوق یک واحدی بودن این درس را به منزله کم‌اهمیتی آن در مقایسه با سایر دروس خود، می‌دانند)، اما روش آموزش زبان، که آموزش قواعد زبان را متضمن آموزش خود زبان و کسب مهارت‌های آن می‌دانند، و همچنین شایستگی و توانایی اساتید در این خصوص نیز باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

## روش‌های آموزش زبان

در طول قرن‌های هجدهم و نوزدهم و بیستم روش‌های فراوانی برای آموزش زبان به وجود آمد که هنوز هم تعداد بسیاری از آنان متداول است. بسیاری از روش‌های براساس عقایدی پی‌ریزی شده است که مربوط به چگونگی یادگیری زبان است. بعضی از این روشها معتقدند که باید شرایطی مشابه با شرایط فراگیری زبان اول برای زبان آموز پدید آورد. لذا روی تقلید، از برکردن طوطی‌وار، تداعی و قیاس تکیه می‌کنند. و از طرفی روش‌هایی وجود دارند که چنین امری را محال می‌دانند. بعضی روش‌ها روی تفاوت‌های که آموزش زبان اول با دوم دارد، تأکید دارند. روش‌های دیگری هم وجود دارد که نه زیر بنای نظریه‌ای دارند و نه بر مبنای تحلیل زبان استوارند. احتمال دارد که این روش‌ها مجموعه‌ای باشند از بعضی درس‌های معلمان کار آزموده، در هر حال این روش‌ها هم بی‌شک بر فرضیاتی بنا شده‌اند که مد نظر پدید آورندگان آنها بوده است.

- متداولترین این روشها عبارتند از: ۱. روش مستقیم؛ ۲. روش طبیعی؛ ۳. روش مبتنی بر اصول روانشناسی؛ ۴. روش مبتنی بر آواشناسی؛ ۵. روش خواندن؛ ۶. روش دستوری؛ ۷. روش ترجمه؛ ۹. روش جایگزینی؛ ۱۰. روش واحدی؛ ۱۱. روش کنترل مواد زبانی؛ ۱۲. روش تقلیدی - حفظی؛ ۱۳. روش تمرین - تئوری؛ ۱۴. روش شباهت‌های زبانی؛ ۱۵. روش دو زبانه.
- اکثر این روشها دارای نکات مبهمی هستند و به درستی توضیح داده نشده‌اند و اصولاً صاحبان این روش‌ها گویا درک صحیحی از معنی دقیق روش نداشته‌اند. حتی روش مستقیم که از گسترده‌ترین روش‌های شناخته شده است، دارای نکات مبهمی می‌باشد. زیرا عنوان «روش مستقیم» تنها رساننده آن است که چگونه زبان را باید ارائه کرد. یعنی می‌بایست در ذهن زبان‌آموز، در وهله اول، بین چیزی که می‌بیند و می‌گوید، و در وهله دوم، بین چیزی که می‌اندیشد و به زبان می‌آورد

ارتباط مستقیم برقرار کرد. به بیان دیگر، در آموزش زبان به هیچ وجه از زبان مادری زبان آموز استفاده نمی شود. در این روش از چیزی که باید تدریس شود و این که چه وقت باید تدریس شود سخنی به میان نیامده است.<sup>۹</sup>

اکنون به نظر می آید که نباید برای به دست آوردن یک مفهوم دقیق از روش، بیهوده وقت خود را صرف کنیم بلکه بهتر است به آنچه یک روش را از دیگر روش ها متمایز می سازد بپردازیم. یعنی به ویژگی های یک روش خوب بپردازیم.

### ویژگی های یک روش آموزش زبان

هرگونه آموزش چه خوب و چه بد باید شامل نوعی گزینش (Selection)، درجه بندی (Gradation)، ارائه (Persentation)، و تکرار (Repetition) باشد. زیرا آموزش تمامی متون یک علم ممکن نیست پس مجبوریم مطالبی را که می خواهیم تدریس کنیم برگزینیم. و ناچاریم مطالب برگزیده را درجه بندی کنیم و مطالبی را بر دیگری مقدم یا مؤخر بداریم زیرا تدریس یکباره تمامی مطالب برگزیده امکان پذیر نیست. ضرورت ارائه مطالب درسی هم بدیهی است زیرا تدریس تحقق نمی پذیرد مگر اینکه بین چیزی و کسی ارتباط ایجاد کنیم یا حداقل سعی در ایجاد چنین ارتباطی داشته باشیم و به تکرار هم نیاز داریم، زیرا یادگیری هر مهارتی تنها به کمک یک نمونه ممکن نیست، کسب همه مهارت ها به ممارست احتیاج دارد.<sup>۱۰</sup>

از این میان گزینش مهمترین خصیصه ذاتی یک روش می باشد. هیچ روشی نمی تواند تمام زبان را تدریس کند، هیچ اهل زبانی نیست که تمام زبان خود را بداند. حتی بزرگترین نویسندگان هم هرگز نمی توانند بر تمامی واژگان زبان خود تسلط یابند و یک اهل زبان تنها بخش کوچکی از واژگان زبان مادری خود را میداند و احتمالاً در مورد کلمات بسیار زیادی که دائماً با آنها روبرو می شود برداشت مبهمی دارد.<sup>۱۱</sup> برخی از روش های آموزش زبان مطالب زیادی را در نظر گرفته اند، که

هرگز تدریس نمی‌شوند و یا پس از مدتی کوتاهی به فراموشی سپرده می‌شوند. و گاهی یک زبان آموز برای اینکه از عهده هزار کلمه مشخص برآید ناگزیر تا دوازده هزار کلمه را به خاطر می‌سپارد و این بدان علت است که بین گزینش وسیع و اهداف محدود رابطه‌ای وجود ندارد.<sup>۱۲</sup>

نباید توقع داشت که یک غیر اهل زبان از اهل زبان واژگان بیشتری بداند، لذا نباید مطالب به گونه‌ای زیاد باشد که نتواند هرگز آن را آموزش داد. به همین دلیل مهمترین کار در زمینه آموزش محدود کردن آن به مطالب اصولی است. و برای گزینش مطالب اصولی باید هدف، سطح و مدت آموزش مورد توجه قرار گیرد.

اگر می‌خواهیم مطالبی را گزینش کنیم باید بدانیم به چه منظوری و برای چه کسانی صورت گرفته است؟ آیا مقصود آن است که پایه و اساسی برای فراگیری زبان دوم بنا شود و یا از آن به عنوان زبانی خودکفا در ارتباطات بین‌المللی استفاده گردد؟ میزان تسلط زبان آموزان و مهارتی که در کاربرد آن کسب کرده‌اند، آشکارا در امر گزینش تأثیر می‌گذارد. در ضمن مدت دوره آموزشی و برنامه درسی بر این امر که چه باید تدریس کرد و چگونه باید آموزش داد، تأثیر می‌گذارد.

اینجاست که انتخاب مقدار زبان و عناصری که مهم هستند و نیز کنار گذاشتن عناصری از زبان که به نظام آن زبان نمی‌رسانند بسیار حیاتی است. باید برای گزینش ملاک‌های در نظر بگیریم. زیرا ما وقتی که زبان اول را به کار می‌بریم، گزینش خود بخود انجام می‌گیرد. یعنی کلمات و جملات با توجه به نیازی که داریم فرا می‌گیریم، و این انتخاب طبیعی است. اما چنین کاری برای زبان دوم به سادگی امکان پذیر نیست. شاید بتوان بسامد کلمات و دامنه کاربرد آن و آسانی و یادگیری و همچنین دسترسی پذیری را مهمترین ملاک‌هایی برای گزینش بهتر در نظر گرفت. زیرا عناصری که دارای بیشترین بسامد هستند همان عناصری می‌باشند که زبان آموز احتمالاً با آنها بیشتر مواجه خواهد شد. و کلمه یا جملات و ساختاری که



در متون مختلف به کار می‌رود یعنی دامنه کاربرد آن بیشتر است برای زبان آموز بهتر و مهمتر است. و در ابتدا باید کلمات و جملاتی گزینش گردد که به آسانی قابل یادگیری باشند. این موضوع در گزینش ساختار و دستور زبان نیز باید مد نظر قرار داد.

مطالب گزینش شده باید دسته بندی شده و از دروس ساده تر شروع کرد. و در هنگام انتقال مواد زبانی به ذهن زبان آموز باید از تکنیک های آموزشی استفاده کرد. تکنیک آموزش هم به روش و هم به شخص معلم بستگی دارد، مانند شیوه بیان و ترتیب مراحل تدریس، صورت های گفتاری و نوشتاری و تصاویر... تکرار برای کسب مهارت مطالب گزینش شده لازم است. و از انواع مختلف تکرار مانند تکرار طوطی وار، تکرار با گسترش، تکرار همراه با تغییر... باید استفاده کرد.

### آموزش زبان عربی دانشجویان رشته حقوق

اکنون با توجه به ویژگی های یک روش خوب آموزش زبان به ارائه یک شیوه آموزشی مناسب برای آموزش زبان عربی برای دانشجویان رشته حقوق می پردازیم. همان گونه که یاد شد، هرگونه آموزش چه خوب و چه بد باید شامل نوعی گزینش، درجه بندی، ارائه، و تکرار باشد. اما این ویژگی ها به نوبه خود بستگی به نوع هدفی دارد که آن آموزش با شیوه آموزشی دنبال می کند و بدون تعیین هدف نهایی امکان صحیح گزینش مطالب لازم و درجه بندی و ارائه و نوع تمرینات جهت تکرار وجود ندارد.

#### ۱. هدف

یادگیری علوم زبان عربی از نظر علمای گذشته و زبان شناس عربی ابزاری برای فهم

متون دینی بوده است ابن خلدون شناخت علوم زبان عربی را بر اهل شریعت ضروری شمرده است، «چون مرجع تمام احکام شرعی کتاب و سنت است و آن هم به زبان عربی و عرب‌ها آنها را از صحابه و تابعین روایت کرده‌اند و مشکلات آن را از زبان آنها شرح نموده‌اند»<sup>۱۳</sup> و این تقریباً همان چیزی است که در سرفصل درس عربی رشته حقوق آمده است هدف از ارائه این درس «تقویت قدرت استفاده دانشجویان از مآخذ فقهی و کتبی که به زبان عربی در رشته حقوق و فقه نوشته شده»، می‌باشد.

اگر بخواهیم هدف از این درس را توضیح بدهیم باید اظهار داشت که هر زبانی دارای چهار مهارت اصلی است که هدف‌های اصلی آموزش آن زبان نیز به حساب می‌آیند. ای چهار مهارت اصلی عبارتند از «مهارت خواندن»، «مهارت نوشتن»، «مهارت شنیدن» و «مهارت سخن گفتن». یعنی فراگیر بعد دوره آموزشی مورد نظر می‌تواند یک متن را به زبان آموزش دیده، بخواند و بفهمد یا اینکه به آن زبان مطالب مورد نظر خود را بنگارد و یا اینکه اگر مطلبی را به آن زبان شنید بفهمد و درک کند و یا اینکه می‌تواند به آن زبان تکلم کند و خواسته‌های خود را به اهل زبان بفهماند. یادگیری هر کدام از این مهارت‌ها نیاز به یادگیری قواعد و تمرین ممارست آن مهارت دارد و تنها با یادگیری قواعد آن نمی‌تواند به کسب مهارت مورد نظر دست یافت، به عبارت دیگر نباید یادگیری قواعد هر زبانی را متضمن یادگیری مهارت‌های آن دانست.

اکنون با توجه به سرفصل درس زبان عربی رشته حقوق باید مهارت خواندن را هدف نهایی آموزش زبان عربی برای دانشجویان این رشته قرار داد و با توجه به اینکه کسب این مهارت برای خواندن و استفاده از متون فقهی و حقوقی به زبان عربی است، اولویت نیز با خواندن این متون می‌باشد لذا کسب «مهارت خواندن متون فقهی» هدف اصلی این شیوه آموزشی است. و خوشبختانه در میان

مهارت‌های چهارگانه کسب مهارت خواندن در زبان عربی ساده‌ترین مهارت می‌باشد و در زمان کوتاه‌تری می‌توان به آن دست یافت.

## ۲. گزینش

براساس هدفی که تعیین گردید مواد درسی آموزش زبان عربی باید به گونه‌ای انتخاب و گزینش گردد که توانایی زبان‌آموز را در کسب مهارت خواندن متون فقهی و حقوقی افزایش دهد. لذا باید به قواعدی توجه گردد که مستقیماً به مهارت خواندن کمک می‌کند. یکی از مواردی که لازم است در آموزش زبان عربی مورد توجه قرار گیرد گزینش مواد درسی به صورت یکپارچه و براساس ساختار خود زبان است که در آن صرف و نحو از هم تفکیک‌ناپذیر باشند. ارائه قواعد صرفی و نحوی به صورت مجزا و جداگانه مانع از یادگیری سریع مهارت خواندن می‌گردد. زیرا متن عربی دارای یک ساختار جداگانه صرفی و یک ساختار جداگانه نحوی نیست.

صرف و نحو در نزد نحویان اولیه در عرض هم نبودند، بلکه محققان قرن‌های اولیه نحو را به معنی عام به کار می‌بردند آنچه که به ساختمان کلمه بود در کنار آنچه که متعلق به ساختمان جمله بود یکسان بررسی می‌کردند و از نظر ابوحنیفان اندلسی علم نحو به «معرفت احکامی که از جهت افراد و ترکیب به کلام عرب مربوط است» می‌پردازد. یعنی از ساختار کلمه مفرد و روابط کلمه‌ها و در جمله بحث می‌کند<sup>۱۴</sup> و ابن حاجب «تصریف» را قسمتی از نحو می‌داند نه همتای آن سیبویه نیز هم اصطلاح مستقلی برای دانشی که به ساختمان کلمه می‌پردازد وضع ننموده است و استرآبادی (م ۶۸۸) نیز تصریح کرده: «که تصریف بخشی از بخشهای نحو است و هیچ اختلافی بین اهل صناعت در این باب نیست»<sup>۱۵</sup> و تنها از نوظر نویسندگان متأخر است که صرف بخشی از نحو نیست بلکه همتای نحو است بدین ترتیب بود که حوزه علم نحو نزدشان به اعتبار این که بررسی اعراب و ساختمان

جمله است، در برابر صرفی که ساختار کلمه را بررسی می‌کند استقرار یافت.<sup>۱۶</sup> برای این اساس، در این شیوه، مواد درسی براساس «ساختار اصلی زبان عربی» که همان ساختار جمله است،<sup>۱۷</sup> گزینش شده است. قواعدی انتخاب شده است که به کسب مهارت خواندن جملات عربی و عبارت‌های آن کمک می‌کند. قواعدی گزینش شده که کاربرد آن در متون فقهی گسترده‌تر است و مثال‌های مورد نظر نیز از متون فقهی و کتاب (قرآن) و احادیث انتخاب شده است. تا با آشنایی با واژه‌ها و اصطلاحات کاربردی متون فقهی را بهتر و سریع‌تر درک کنند و بفهمند.

### ۳. درجه بندی

پس از اینکه دریافتیم چه باید تدریس کرد؛ می‌توانیم بررسی کنیم به چه ترتیبی باید آموزش داد؟ قدر مسلم این است که همه مطالب گزینش شده را نمی‌توان بیکباره تدریس کرد بلکه باید مطالب آموزشی نسبت به همدیگر از نظر زمانی تقدم یا تاخر داشته باشد اگر بپذیریم که زبان یک نظام است و فهرستی از کلمه‌ها یا مجموعه‌ای از کلیشه‌ها نیست باید بپذیریم که نمی‌توانیم آموزش را از هر جایی شروع کنیم و حق نداریم هر چیزی را که خواستیم آموزش دهیم زیرا در یک نظام هر جزء، با جزء دیگر وابسته است.<sup>۱۸</sup> لذا روش تدریس و درجه بندی مطالب باید به حدی به ساختار زبان نزدیک شود که همه مطالب انتخاب شده با هم تناسب داشته باشد. با توجه به اینکه اساس مطالب و قواعد گزینش شده ساختار جمله در زبان عربی است لذا موارد درسی برای این اساس تنظیم و مرتب شده است. ساختار جمله در زبان عربی به دو دسته جملات اسمیه و فعلیه تقسیم شده است. جمله اسمیه جمله‌ای است که با اسم شروع گردد و جمله فعلیه جمله‌ای است که با فعل (تام) شروع گردد. ابن هشام انصاری «جمله ظرفیه» را نیز به این ساختار اضافه کرده است. یعنی جمله‌ای که با ظرف یا جار و مجرور شروع شده است مانند «أعندک زید» و «أفی

ساختمان این گونه کلمات ثابت و تغییرناپذیر می‌باشد، لذا نیازی به بیان قواعد مفصل و زائد آنها نیست. و از طرفی کاربرد کلمات مبنی بسیار بیشتر از کلمات معرب است به ویژه در قرآن و احادیث این مورد بسیار شگفت‌انگیز است. (برای مثال بیست آیه اول سوره بقره توجه گردد). توجه به این نکته باعث می‌گردد که در آموزش قواعد اعرابی لازم خود را به دردمر نیازندازیم، فقط شکل و گونه‌های این اعراب‌ها را با استفاده از متون و واژه‌های فقهی به دانشجویان یاد دهیم. بدین ترتیب مواد درسی در چهار فصل زیر درجه‌بندی می‌گردد:

ا) اعراب

ب) جمله اسمیه

ج) جمله فعلیه

د) مسائل مشترک جمله‌های فعلیه و اسمیه

#### ۴. ارائه

حال که با کیفیت‌گزینش و درجه‌بندی مطالب آشنا شدیم، می‌توانیم به بررسی چگونگی ارائه آنها بپردازیم ارائه به معنی ابلاغ کردن چیزی به کسی است و یکی از بخش‌های اساسی روش است. دقیق‌ترین دروس‌گزینش و درجه‌بندی شده زبان در صورتی مفید خواهد بود که بشود آن را به زبان آموزش منتقل کرد.<sup>۶۱</sup> انتقال مواد زبانی به ذهن زبان‌آموز هم به تکنیک‌های ارائه، که از ویژگی‌های روش است، بستگی دارد و هم به تکنیک‌های آموزشی شخص معلم مربوط می‌شود. اینجاست که صورت‌گفتاری معلم و توانایی علمی وی و اشتیاقش به تدریس زبان عربی نقش اساسی در موفقیت روش ارائه شده دارد. و بدون آن امکان ندارد که یک روش آموزشی موفق گردد. استفاده به موقع از گچ و تخته و وسایل کمک آموزشی مانند وسایل دیداری و شنیداری (مثلاً ارائه از طریق Power Point تعریف دقیق مفاهیم

برای دانشجویان و... نقش بسزایی در یادگیری و کسب مهارت مورد نظر دارد. متأسفانه باید اذعان کرد که این مورد در خصوص آموزش زبان عربی در اکثر رشته‌ها نادیده گرفته شده است. و همین موضوع یکی از علل عدم موفقیت آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ایران است. هر کسی به خود اجازه می‌دهد با کمترین آشنایی با زبان عربی به تدریس آن بپردازد. با این توهم که چون با قواعد زبان آشنایی دراد لذا می‌تواند آن را آموزش دهد. بدون اینکه بداند آموزش قواعد برای یک امر فزاینده یعنی کسب یکی از مهارت‌های زبان است، نه خود قواعد زبان. امکان موفقیت این روش ارائه شده، در صورتی که توسط اساتید با سواد و آشنا به زبان عربی تدریس نگردد، بسیار کم است.

### ۵. تکرار

هدف نهایی هر دوره آموزشی زبان این است که زبان‌آموز مهارت لازم و مورد نظر را به دست آورد و در کاربرد آن اشتباه نکند. برای دست یابی به این مهم به انواع فراوانی تمرین نیاز است تا با تکرار آن به کاربرد صحیح دست یابد. اصولاً هر مهارتی با تمرین همان مهارت حاصل می‌شود. در تمرینات درس عربی باید از متون فقهی تمرین‌های مناسب انتخاب گردد و به صورت‌های گوناگون تکرار گردد در این تمرین‌ها دانشجویان باید به سمت آشنا شدن با متون فقهی و خواندن مکرر آن سوق داده شوند. تمریناتی که منجر به بازشناسی علائم و شکل‌های نوشتاری می‌شود باید مد نظر قرار گیرد مانند تمرینات شناسایی کنید (عین)، به ویژه حرکت‌های اعرابی را بگذارید (شکل) خواندن مداوم متن‌های فقهی و حقوقی. متناسب. مطالب درسی باید با زبان عربی ارائه گردد تا با خواندن آن در کلاس دانشجویان نوعی تمرین همیشگی داشته باشند. و مهمترین نکته این که در هنگام ارزشیابی از دانشجویان و امتحان درسی از پرسش درباره قواعد خودداری گردد تا

دانشجویان به حفظ قواعد نپردازند و به آن اکتفا نکنند، بلکه امتحان باید به صورت خواندن یک متن عربی از متون فقهی باشد، تا مشخص کند دانشجویان تا چه اندازه مهارت خواندن را کسب کرده‌اند. و به شدت از پرسش‌های امتحانی در خصوص تعریف قواعد خودداری شود.

### متن آموزشی

براساس ویژگی‌های الگوی ذکر شده، متن آموزشی مناسب با آن تهیه گردید، تا به دانشجویان رشته حقوق تدریس گردد. هدف اصلی این متن آموزشی، با توجه به مبانی نظری کهد ارائه الگو بیان شد، «کسب مهارت خواندن متون فقهی» بود. در خودنندن متون عربی باید به ساختار اصلی زبان توجه گردد. ساختار اصلی زبان عربی «جمله» است، لذا بخش اصلی متن آموزشی به آموزش جمله اختصاص یافت که شامل جمله اسمیه و جمله فعلیه و ارکان آن دو است.

برای خواندن یک متن عربی که در قالب جملات ظاهر می‌گردد، نیاز به یادگیری قواعد اعراب می‌باشد تا دانشجویان با نکات اصلی اعراب آشنا گردند و علامت‌های اعرابی را بشناسند. لذا یک فصل، پیش از بحث جمله، به «اعراب و بناء» اختصاص یافت. و قواعدی که هم در قالب جمله اسمیه و هم در قالب جمله فعلیه کاربرد دارد، نیز در یک فصل به عنوان «مسائل مشترک دو جمله اسمیه و فعلیه» گنجانده شد. در نتیجه متن آموزشی دارای چهار فصل اصلی گردید:

فصل اول: اعراب و بناء

فصل دوم: جمله اسمیه

فصل سوم: جمله فعلیه

فصل چهارم: مسائل مشترک بین جمله اسمیه و فعلیه

بدین ترتیب طرح کلی مواد درسی ارائه شده (المخططة العامة) به صورت زیر تهیه

گردید:

### الفصل الأول: الاعراب

الاعراب و انواعه

علامات الاعراب

### الفصل الثاني: الجملة الاسمية و اركانها

المتبداء و الخبر

الافعال الناقصة

الافعال المقارنة

الحروف المشبهة بالفعل

لا النافية للجنس

### الفصل الثالث: الجملة الفعلية و اركانها

الفعل و اقسامه

الفعل المضارع: رفعه و نصبه و جزومه

الجملة الشرطية

الفاعل (الفعل المعلوم)

نائب الفاعل (الفعل المجهول)

المفاعيل الخمسة

المنادي

الحال

الجملة التعجبية

اسم الفعل



## الفصل الرابع: المسائل المشتركة بين جملتي الاسمية والفعلية

اسلوب الاستثناء

التمييز

المجرورات

التوابع

شبه الفعل

التأويل بمصدر «المصدرية» (مواقع المصدرية في الكلام)

انواع الجمل و صورها

الحذف (مواقع الحذف)

متن تهیه شده ابتدا در نیم سال دوم سال تحصیلی ۸۲-۸۳ در دانشگاه آزاد اسلامی مرکز خرم آباد به صورت ناقص به دانشجویان رشته حقوق تدریس گردید. تدریس یاد شده دو اشکال داشت:

۱. متن آموزشی تکمیل نشده بود.

۲. واحد درس عربی در نیمه نیم سال آغاز گردید و تنها هشت هفته امکان تدریس بود به همین دلیل دروس تهیه شده به صورت ناقص ارائه گردید.

اما در اولین جلسه، یک صفحه از یک متن فقهی در اختیار دانشجویان فرار گرفت تا آن را اعراب گذاری کنند و در پایان نیم سال، همان صفحه مجدداً در اختیار آنان قرار گرفت تا آن را مجدداً اعراب گذاری کرده و جملات آن را مشخص نمایند. نتیجه کار پیشرفت محسوس را نشان می داد، زیرا با مقایسه پنج نمونه از پاسخ ها مشخص شد که دانشجویان با متن عربی بهتر از قبل آشنا شده اند و از رابطه اجزاء جملات درک بهتری دارند. اما تدریس متن آموزشی مشکل بود زیرا رغبت دانشجویان نیز بسیار اندک، و وقفه بین کلاس های درسی ارائه شده نیز زیاد بود. اگر چه تجربه مذکور مهم بود اما کافی نبود. به ناچار باید این متن آموزشی مجدداً

تدریس می‌گردید. لذا متن آموزشی تکمیل شده در نیم سال اول سال تحصیلی ۸۳-۸۴ در دانشگاه بوعلی سینا به دو گروه دانشجویان روزانه و شبانه رشته حقوق تدریس گردید. و در هفته سیزدهم از ترم تحصیلی از دانشجویان درباره متن آموزشی تدریس شده نظر خواهی گردید و از آنان خواسته شد به پنج پرسش زیر پاسخ دهند:

۱. کدامیک از مباحث جزوه تدریس شده را بهتر درک کردید؟  
 الاعراب و البناء ○ الجملة الاسمية ○ الجملة الفعلية ○ المسائل المشتركة
  ۲. کدامیک از مباحث جزوه تدریس شده مشکل‌تر است؟  
 الاعراب و البناء ○ الجملة الاسمية ○ الجملة الفعلية ○ المسائل المشتركة
  ۳. آیا جزوه تدریس شده را مناسب تدریس درس عربی رشته حقوق می‌دانید؟  
 بسیار مناسب ○ مناسب ○ متوسط ○ نامناسب
  ۴. آیا تمرین‌های ارائه شده را مناسب می‌دانید؟  
 بسیار مناسب ○ مناسب ○ متوسط ○ نامناسب
  ۵. در مجموع این جزوه درسی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
 خیلی خوب ○ خوب ○ متوسط ○ ضعیف
- همچنین از دانشجویان خواسته شد اگر انتقاد یا پیشنهادی دارند مختصراً بیان کنند.

در پاسخ به این پرسش اول دانشجویان به ترتیب: جمله اسمیه را با ۴۰ درصد و اعراب و بناء را با ۲۵ درصد و جمله فعلیه را با ۱۰ درصد، بهتر درک کرده‌اند. و در مورد پرسش دوم به ترتیب: مسائل مشترک را با ۵۵ درصد، و اعراب و بناء را با ۲۰ درصد و جمله فعلیه را با ۱۰ درصد، مشکل‌تر دانسته‌اند.

توضیح این‌که: متن آموزشی مذکور به ناچار باید از درس «اعراب و بناء» شروع می‌گردید، زیرا یک بحث پایه‌ای به شمار می‌رود. و سپس جمله اسمیه و بعد جمله

فعلیه و در آخر مسائل مشترک تدریس گردید. با توجه به این که در طول ترم متن آموزشی اصلاح و تهیه می شد، لذا فصل «مسائل مشترک» در اواسط ترم و بدون تمرین در متن آموزشی، در اختیار دانشجویان قرار گرفت. ضمن اینکه بعضی از مباحث این فصل بسیار سخت بود که در هنگام تدریس این موضوع آشکار گردید. در مورد پرسش سوم: پانزده درصد این متن را برای آموزش زبان عربی به دانشجویان رشته حقوق بسیار مناسب دانسته‌اند و ۳۲ درصد آن را مناسب و ۲۷ درصد آن را متوسط و ۲۵ درصد نیز نامناسب تشخیص داده‌اند.

در مورد پرسش چهارم: ۵ درصد تمرین‌ها را بسیار مناسب و ۳۵ درصد مناسب و ۳۷ درصد متوسط و ۲۰ درصد نامناسب دانسته‌اند.

در مورد پرسش پنجم: در مجموع ۱۳ درصد این متن آموزشی را خیلی خوب دانسته‌اند و ۳۷ درصد خوب و ۳۵ درصد متوسط و ۱۴ درصد ضعیف ارزیابی کرده‌اند.

خوش بختانه دانشجویان نظرات کتبی و پیشنهاد یا انتقاد خود را در همان برگه نوشته بودن. اکثراً به موضوع کم بودن واحد درسی اشاره کرده‌اند. زیرا این درس در رشته حقوق تنها یک واحد است و این موضوع از نظر دانشجویان به منزله کم اهمیت بودن درس تلقی شده و نامناسب بودن متن آموزشی را نیز به خاطر سختی تمرینات آن دانسته‌اند. تعدادی از دانشجویان نیز تدریس جزوهای متن آموزشی را که به صورت متفرقه در اختیار آنان قرار می‌گرفت، نامناسب دانسته و پیشنهاد کرده‌اند که این متن آموزشی به صورت کتاب تدریس گردد تا سودمندتر باشد.

بدین ترتیب سختی تمرینات ارائه شده و نیز تک واحدی بودن درس عربی رشته حقوق موجب این نتیجه‌گیری شده که این متن آموزشی از نظر تعداد قابل توجهی از دانشجویان آموزش دیده، مناسب نباشد؛ به ویژه این که دانشجویان از نحوه امتحان پایان ترم نیز نگران بودند و این را در اظهار نظرهایشان بیان کرده‌اند. و

هم چنان قواعد موجود در متن آموزشی را بیش از حد مطلوب دانسته‌اند. این نظر خواهی و تدریس در طول ترم باعث گردید اصلاحات جدی در متن آموزشی داده شود بر این اساس تمرینات ساده‌تر گشت. و در پایان هر مبحث یک تمرین آورده شد تا هر قاعده آموزشی با یک تمرین همراه باشد. در متن آموزشی قبلی (قبل از اصلاح نهایی) تمرین‌ها از یک متن فقهی به صورت یک مجموع تمرین در اختیار دانشجویان قرار می‌گرفت و همین موجب گردید که دانشجویان قواعد نحوی زبان عربی را بدون تمرین هر بحث به صورت جداگانه، فراگیرند. البته روش مذکور در تدریس جمله اسمیه اعمال نشد بلکه همراه قواعد، تمرینات نیز ارائه گردید. و به همین دلیل اکثر دانشجویان پاسخ داده بودند که مبحث جمله اسمیه را بهتر درک کرده‌اند. همچنین بسیاری از قواعد اضافی یا قواعدی که در متون فقهی کاربرد نداشت یا کاربرد اندکی داشت، حذف گردید؛ به ویژه در فصل چهارم یعنی «مسائل مشترک» که غالب دانشجویان آن را مشکل‌تر دانسته بودند این تغییرات اعمال شد. زیرا همین قواعد اضافی و کم کاربرد موجب مشکل‌تر شدن این فصل شده بود.

بدین ترتیب مباحث متن آموزشی نیز از چهار فصل به سه فصل تقلیل یافت:

۱. فصل اول: «اعراب و بناء»

۲. فصل دوم: «ساخت جمله» (انواع جمله در زبان عربی که شامل جمله اسمیه و فعلیه است)

۳. فصل سوم: «مسائل مشترک جمله اسمیه و فعلیه»

و طرح کلی (الخطة العامة) مواد درسی متن آموزشی نیز به صورت زیر اصلاح گردید:

الفصل الاول: الاعراب و البناء

۱-۱. الاعراب و انواعه

١-١-١- الأعراب

١-١-٢- أنواع الأعراب

١-٢- البناء و أنواع و الفاظه

١-٢-١- البناء و أنواعه

١-٢-٢- الألفاظ المبنية

١-٣- علامات الأعراب

١-٣-١- علامات الأعراب في الأسماء

١-٣-٢- علامات الأعراب في الأفعال (الفعال المضارع)

١-٤- الأعراب التقديرى

١-٤-١- المقصورة

١-٤-٢- المنقوصة

١-٤-٣- الأفعال

١-٤-٤- الأسماء المضافة الي الياء المتكلم (ضمير الياء للمتكلم)

الفصل الثانى: از جملة و أنواعها

٢-١- الجملة الاسمية

٢-١-١- الجملة الاسمية المتكوّنة من المبتدأ و الخبر

٢-١-١-١- تعريف المبتدأ و الخبر

٢-١-١-٢- احوال المبتدأ و الخبر

٢-١-١-٣- تقديم الخبر على المبتدأ

٢-١-١-٤- الجملة الاسمية المنسوخة

٢-١-٢-١- الأفعال الناقصة (الجملة الاسمية المدوّة بالافعال الناقصة)

- ٢-١-٢-٢- افعال المقاربية (الجملة الاسمية المبدوءة بافعال المقاربة)  
٢-١-٢-٣- الحروف المشبهة بالفعل (الجملة الاسمية المبدوءة بالحروف المشبهة  
بالفعل)  
٢-١-٢-٤- «لا» النافية للجنس (الجملة الاسمية المدوءة بـ «لا» النافية للجنس»

- ٢-٢- الجملة الفعلية  
٢-٢-١- الفعل و أقسامه  
٢-٢-٢- الفعل و المضارع: رفعه و نصبه و جزمه  
٢-٢-٣- الجملة الشرطية  
٢-٢-٣-١- أدوات الشرط و إعرابها  
٢-٢-٣-٢- جملة الشرط و جوابه  
٢-٢-٤- الفاعل (الجملة الفعلية المعلومه)  
٢-٢-٥- نائب الفاعل (الجملة الفعلية المجهولة)  
٢-٢-٦- المتفاعيل  
٢-٢-٦-١- المنعول به  
٢-٢-٦-٢- المنعول المطلق  
٢-٢-٦-٣- المنعول فيه (الظرف)  
٢-٢-٦-٤- المنعول له (لأجله)  
٢-٢-٧- المنادى: (جملة النداء)  
٢-٢-٨- الحال  
٢-٢-٩- اسم الفعل

الفصل الثالث: المسائل المشتركة بين جملتي الاسمية و الفعلية

۳-۱- اسلوب الاستثناء

۳-۱-۱- المستثنى

۳-۱-۲- أداة الإستثناء و إعراب المستثنى

۳-۲- التمييز

۳-۲-۱- تمييز المفرد أو الذات

۳-۳-۲- تمييز النسبة

۳-۳- المجرورات

۳-۳-۱- المجرور بالحروف الجارة

۳-۳-۲- المضاف اليه

۳-۴- التوابع

۳-۴-۱- النعت

۳-۴-۲- العطف

۳-۴-۳- التوكيد

۳-۴-۴- البدل

۳-۵- شبه الفعل

۳-۶- التأويل بمصدر المصدرية

۳-۶-۱- تعريف التأويل بمصدر

۳-۶-۲- مواقع المصدرية في الكلام

همان گونه که ذکر شد در متن آموزشی اصلاح شده، در پایان هر مبحث یک تمرین متناسب از متون فقهی گنجانده شد. در پایان هر فصل نیز چند تمرین از متون فقهی آورده شده است، و از دانشجویان خواسته شده که این متون را اعراب گذاری کرده و انواع جملات را با ارکان آن مشخص نمایند. و فصل سوم نیز ساده گشت تا دانشجویان بتوانند در سطح دانشجوی رشته حقوق آن را درک کنند و قواعد

مشکل تر که کاربرد کمتری داشت نیز حذف گردد.

### نتیجه

با توجه به مهارت‌های چهارگانه: خواندن، نوشتن، گفتن و شنیدن که مهارت‌های اساسی هر زبانی به شمار می‌رود، به نظر می‌آید دانشجویان رشته حقوق به کسب مهارت خواندن و درک مفاهیم متون به زبان عربی به شدت نیازمندند، تا بتوانند متون فقهی را به زبان عربی خوانده و درک نمایند. لذا برای کسب این مهارت باید یک روش خوب و مفید تدوین گردد.

یک روش خوب باید دارای چهار ویژگی اساسی، یعنی: گزینش، درجه بندی، ارائه و تکرار باشد. که این چهار ویژگی به نوبه خود به تعیین هدف آموزشی بستگی دارد. با توجه به اینکه هدف کسب مهارت خواندن متون فقهی به زبان عربی است لذا باید قواعدی را گزینش کرد و درجه بندی نمود که مهارت خواندن را تقویت کند و برای تکرار آن جهت کسب مهارت مذکور تمرینی تهیه گردد که با متون فقهی تناسب داشته باشد، تا در نهایت دانشجو بتواند در پایان دوره آموزشی، یک متن فقهی با حقوقی را به زبان عربی خوانده و درک نماید.

برای کسب مهارت خواندن در زبان عربی باید به دو نکته اساسی یعنی اعراب و ساختار جمله در زبان عربی توجه خاصی نشان داد. قواعد صرفی و نحوی را باید در به صورت یکپارچه و در قالب این ساختارها و با تمرینات مختلف و متناسب به دانشجو یاد داد و از قواعد اضافی و حاشیه‌ای که موجب تشویش و اختلال ذهن دانشجو می‌گردد پرهیز کرد.

بنابراین با توجه به این تحقیق می‌توان یافته‌های زیر را ارائه کرد:

۱. باید «کسب مهارت خواندن متون فقهی» هدف اصلی آموزش زبان عربی به دانشجویان رشته حقوق قرار گیرد.



۲. ساخت اصلی زبان عربی جمله است. و درک قواعد زبان تنها در جمله مفید فایده خواهد بود. و بدون فهم جمله و ساخت آن کسب مهارت خواندن متون عربی فقهی امکان پذیر نیست.
۳. قواعد نحوی فقط برای تفسیر اجزاء جمله باید تدریس گردد نه حفظ قواعد، لذا باید قواعدی انتخاب و تدریس گردد که به مهارت خواندن کمک کند، و از ارائه قواعد اضافی خودداری گردد.
۴. تمرین های مناسب نیز باید از متون فقهی ساده انتخاب شود، و بعد از هر مبحث قرار گیرد. در پایان هر فصل تمرین ها برای تشخیص ساختار اصلی زبان یعنی جمله آورده و از دانشجویان خواسته شود که آن را اعراب گذاری نمایند.
۵. اختصاص تنها یک واحد به آموزش زبان عربی، ضمن این که با اهداف آموزشی رشته حقوق هم خوانی ندارد، موجب کم اهمیتی این درس نزد دانشجویان حقوق گردیده است. و این خود مانع تدریس صحیح آموزش زبان عربی می شود. زیرا دانشجویان رشته حقوق، به ویژه در اولین نیم سال تحصیلی، تحمل مشقت یادگیری زبان عربی را به خاطر یک واحد درسی نمی پذیرند.
۶. متن آموزشی تهیه شده باید به زبان عربی ارائه گردد تا دانشجویان با خواندن این متن نوعی تمرین همیشگی داشته باشند.

### پی نوشتها

۱. ابوالقاسم گرجی، مقدمه تحریر الروضه فی شرح اللمعه، علیرضا امینی، سید رضا آیتی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص ۱۰.
۲. برنامه آموزشی رشته حقوق، مصوب کمیته برنامه ریزی حقوق گروه علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای عالی برنامه ریزی، دویست و نود و هفتمین جلسه شورای عالی برنامه ریزی، مورخ ۱۳۷۴/۲/۳، صص ۱۱، ۱۲، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۷۸، ۷۹.
۳. همان، صفحه اول منضم به سر فصل و ص ۳.
۴. همان صفحه ۲۱.
۵. ویلیام فرانسیس مه کی، تحلیل روش آموزش زبان، ترجمه حسین مریدی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۰ هـ ش، ص ۱۵.
۶. دکتر رمضان عبدالنواب، مباحثی در فقه اللغة و زبان شناسی عربی، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۰ هـ ش، ص ۱۵.
۷. ویلیام فرانسیس مه کی، پیشین، ص ۲۰.
۸. رمضان عبدالنواب، پیشین، ص ۴۷۳.
۹. ویلیام فرانسیس مه کی، پیشین، ص ۴۰.
۱۰. همان، ص ۴۱.
۱۱. همان، ص ۴۳.
۱۲. همان، ص ۴۴.
۱۳. دکتر محمود فهیمی حجازی، زبان شناسی عربی، ترجمه دکتر سید حسین سیدی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۵۹.
۱۴. همان، ص ۶۳.
۱۵. همان، ص ۶۴ و ۶۷.
۱۶. همان، ص ۶۷.
۱۷. دکتر محمد حماسه عبداللطیف، بناء الجملة العربیة، قاهره، دارالشرق، چاپ اول، ۱۹۹۶، ص ۱۲.
۱۸. ویلیام فرانسیس مه کی، پیشین، ص ۹۷.

۱۹. جمال الدین ابن هشام انصاری، مغنی اللیب عن کتب الاعاریب، المجلد الثاني قم، مکتبه سیدالشهداء، چاپ، ۱۴۰۶ هـ.ق، ص ۴۹۲.
۲۰. دکتر شوقی المعری، اسلوب الشرط بین التعقید و التیسیر (قراءه نقدیه معاصره)، مجله التراث العربی، دمشق، سال بیست و چهارم، شماره ۹۵ ایلول ۲۰۰۴.
۲۱. ویلیام فرانسیس مه کی، پیشین، ص ۱۲۹.

### منابع:

۱. آیتی، سیدرضا - امینی علیرضا، تحریر الروضه فی شرح اللمعه، (با مقدمه دکتر ابوالفاسم گرجی)، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۲. ابن هشام انصاری، جمال الدین، مغنی اللیب عن کتب الاعاریب، المجلد الثاني، قم، مکتبه سید الشهداء، چاپ، ۱۴۰۶ هـ.ق.
۳. عبدالنواب، رمضان، مباحثی در فقه اللغة و زبان شناسی عربی، ترجمه حمیدرضا شیخی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۶۷ هـ.ش.
۴. عبداللطیف، محمد حماسه، بناء الجملة العربیه، قاهره، دارالشرق، چاپ اول، ۱۹۹۶.
۵. فهمی حجازی، محمود، زبان شناسی عربی، ترجمه دکتر سید حسین سیدی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۶. المعری، شوقی، اسلوب الشرط بین التعقید و التیسیر (قراءه نقدیه معاصره)، مجله التراث العربی، دمشق، سال بیست و چهارم، شماره ۹۵ ایلول ۲۰۰۴.
۷. مه کی، ویلیام فرانسیس، تحلیل روش آموزش زبان، ترجمه حسین مریدی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۳۷۰ هـ.ش.
۸. برنامه آموزشی رشته حقوق، مصوب کمیته برنامه ریزی حقوق گروه علوم انسانی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای عالی برنامه ریزی، دویست و نود و هفتمین جلسه شورای عالی برنامه ریزی مورخ ۱۳۷۴/۲/۳.